

نگاهی به تاریخچه شعر مقاومت و بررسی آن در دوره دفاع مقدس

امیرعلی عظیم زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین(ع)

چکیده

شعر مقاومت شاخه ای از شعر در ادبیات تمام ملت‌هاست که ویژگی‌های زبانی و سبکی خاصی دارد. در این مقاله، نخست به سابقه شعر مقاومت در میان ملت‌ها و همچنین به پیشینه این شعر در ادبیات فارسی به اختصار اشاره شده است. سپس ویژگی‌ها، مضامین و نقش شعر در دوره دفاع مقدس و نیز تأثیر دفاع مقدس در ادبیات معاصر ایران مورد بررسی قرار گرفته است. شعر مقاومت در ایران به طور جدی از زمان انقلاب مشروطیت ظهور پیدا کرد و پس از آن تحت تأثیر سانسورها و سرکوبها و نیز مقاومت و مبارزات مردم ایران، فراز و فرودهای زیادی داشته است. این شعر در دوران انقلاب اسلامی با شعار و سرود وارد میدان شد و در آغاز جنگ تحمیلی نیز بیشتر در قالب سرودها و اشعار حماسی از صدا و سیما پخش گردید. بتدریج بسیاری از شاعران نسل انقلاب با دریافت مفهوم اصیل سیاست، عرفان و آگاهی اجتماعی، شعر دفاع مقدس را از نظر تصویرسازیهای نو به راهی تازه کشاندند و تحولی در ادبیات معاصر و شعر مقاومت ایران پدید آوردند.

درونمایه بیشتر اشعار مقاومت در دوره دفاع مقدس، مسائل مذهبی و تلمیحات عاشورایی است که در تهییج مردم برای حضور در جبهه‌ها، تشجیع رزمندگان برای پایداری در مقابل دشمن و ترویج فرهنگ شهادت طلبی نقش اساسی به عهده داشته است.

کلید واژه‌ها: شعر مقاومت، دفاع مقدس، ادبیات پایداری، شعر عاشورایی، ادبیات معاصر

مقدمه

شعر مقاومت نوعی شعر متعهد و ملتزم است که محتوای آن در جهت منافع و خواسته‌های نظام حاکم مستبد نباشد و با زبانی صریح، بدون تکیه بر نوآوری در زمینه تخیل بیان شود. نظام حاکم مستبد ممکن است به حکومت مستبد داخلی یک کشور گفته شود و یا به سلطه قدرتمندان خارجی باز گردد. این نوع شعر به مخاطبانش می‌آموزد که چگونه باید در برابر این گونه نظامها ایستاد و مقاومت کرد (بصیری، ۱۳۷۶: ۱۰).

ظاهراً از زمان هابیل و قابیل، نبرد حق و باطل آغاز شد. در طول تاریخ، اقوام و حکومت‌هایی برای چپاول ثروتها و استعمار و استثمار ملت‌ها به حقوق و سرزمین دیگران تجاوز کرده و در مقابل، ملت‌های تحت ستم با ایثارها و جانفشانیها در برابر زورگوییها و تجاوزها دلیرانه ایستاده و حماسه‌های بزرگی آفریده‌اند. شاعران هر سرزمینی در رویارویی با مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم و نیز در برخورد با نابرابریهای اجتماعی کوشیده‌اند از خودگذشتگیها و حماسه آفرینیهای مبارزان خود را در قالب شعرهایی زیبا به تصویر بکشند و فرهنگ مقاومت حماسه آفرینان خود را به نسل‌های آینده منتقل کنند. به این شاخه از شعر در اصطلاح، شعر مقاومت گفته می‌شود.

جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۳۱ شهریور ۱۳۵۹-۱۷ مرداد) یکی از فرهنگسازترین جریان‌ات انقلاب اسلامی است که در ادبیات معاصر و شعر مقاومت فارسی تأثیراتی عمیق بر جای گذاشته است.

«شعر مقاومت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شعرهایی است که در دوران نبرد هشت ساله میان ایران و عراق، توسط شاعران متعهد سروده شد و پشتوانه

نیروی رزمی و ایمانی مردم و رزمندگان غیور ایران اسلامی گشت» (محمدی شکیبا، ۱۳۷۸: ۴۲).

در این مقاله، پرسش اصلی این است که هشت سال دفاع مقدس مردم ایران چه تأثیری در شعر فارسی بر جای گذاشته و شعر دفاع مقدس به عنوان شعری متعهد چه نقشی در دفاع مردم ایران به عهده داشته است.

فرض نگارنده بر این بوده است که اینارها و حماسه آفرینیهای رزمندگان اسلام، افقهایی دیگر از مضامین شعری را بر روی ادبیات فارسی باز کرده و شعر مقاومت فارسی را به قله بلند تبیین ارزشهای معنوی و عرفان حماسی رسانده است.

برای اثبات این فرضیه و پاسخ دادن به این پرسشها، ضمن استفاده از منابع گوناگون، اشعار دفاع مقدس به روش توصیفی - تحلیلی بررسی و سعی شده است به پرسشهای این تحقیق پاسخ داده شود. قبل از پرداختن به بحث اصلی، تاریخچه شعر مقاومت در جهان و نیز سابقه این شعر در ایران به عنوان بحثهای مقدماتی به اختصار مطرح شده و سپس شعر مقاومت انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

شعر مقاومت در امریکا

پس از کشف قاره امریکا توسط کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲، استعمارگران اروپایی به این قاره پهناور و حاصلخیز وارد شدند و به رغم استقبال خوب بومیان منطقه از آنان به کشتار بیرحمانه سرخپوستان پرداختند و امپراتوریهای بسیار بزرگ و با سابقه‌ای مانند مایاها، آزتکها و اینکاها را ساقط و سرزمین و ثروتهای آنان را تصاحب کردند. با اینکه سرخپوستان امریکا جز تیر و کمان و خنجر اسلحه‌ای

نداشتند تا سالها پس از استقرار اروپاییان در این قاره، هر از چند گاهی بسیج می شدند و به نبرد با این متجاوزان می پرداختند. سرانجام با قیام نسلهای جدید بومیان منطقه - که نزدیک به سیصد سال شاهد تجاوز، غارت و چپاول منابع طبیعی خود بودند - جنبشهای آزادیخواهانه و جنگهای استقلال طلبانه پی ریزی شد و کم کم کشورهای این قاره در جنوب و مرکز به استقلال دست یافتند؛ ولی اروپاییان بخش عظیمی از قاره امریکا را به دست نسلهایی از مهاجران سفیدپوست سپرده بودند که امروز ایالات متحده امریکا نامیده می شود.

اروپاییان پس از تسلط بر قاره امریکا به منظور بهره گیری بیشتر از منابع طبیعی و نیاز به نیروی کار به وارد کردن برده های سیاهپوست از قاره آفریقا مبادرت کردند و بدین گونه پدید آمدن نسل جدیدی از سیاهان را در قاره امریکا موجب شدند که بعدها قیامها و شورشهای فراوان این بردگان برای دستیابی به آزادی و برابریهای اجتماعی، فصل جدیدی از مبارزات اجتماعی را در این قاره پایه ریزی کرد.

مبارزات بومیان و سیاهپوستان امریکا برای دستیابی به استقلال، آزادی، هویت ملی و نیز اعتراض به تبعیض نژادی، نابرابریهای اجتماعی، فقر و بی عدالتی، روح تازه ای در شعر و شاعران این قاره دمید که سرشار از شور و حماسه و احساسات ملی و میهنی بود و بدین ترتیب شعر مقاومت قاره امریکا شکل گرفت (ر. ک. ترابی، چقدر خسته چقدر زخم: ۱۳-۳۸).

قسمتی از شعر «رقص جنگ» سروده ال یانگ، شاعر سیاهپوست امریکایی به عنوان نمونه ای از شعر مقاومت قاره امریکا نقل می شود:

«باید بیاموزی / که مشت های سیاه رنگت را / بر چانه سفید کوبی / تا خون سرخ فرو
پاشد / و زهر آب، تالارها را آلوده سازد / بمبهای سیاه / طبقه سفید واقعی را منفجر
سازد» (همان: ۴۲).

شعر مقاومت در آفریقا

در منطقه شمال آفریقا، کشورهایی چون مصر، مراکش و لیبی از دیرباز متمدن بودند و با ورود اسلام به این قاره، مسلمان و عرب زبان شدند. بنابراین شعر مقاومت این منطقه از آفریقا را باید در بخش شعر مقاومت کشورهای مسلمان مورد بررسی قرار داد. در سواحل شرق آفریقا نیز تمدنهایی وجود داشت که در اثر نفوذ اعراب و مسلمانان شمال آفریقا، مردم این منطقه با خط و زبان عربی آشنایی داشتند. اما در مناطق مرکزی، جنوبی و غربی آفریقا مردم به صورت قبیله ای و توده‌های جمعیتی متفرق و به گونه بدوی زندگی می کردند و به دلیل عدم آشنایی ساکنان این مناطق با خط، جز سروده‌هایی شفاهی، اثر مکتوبی از سابقه شعر و ادب این مردم در دست نیست.

در قرن پانزدهم میلادی، نخست پرتغالیها و به دنبال آنها استعمارگران انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و حتی اسپانیایی برای دستیابی به منابع طبیعی و ثروت بیکران به این منطقه وارد شدند و هر کدام بخشی از این قاره را مستعمره خویش ساختند. حاصل چنین تجاوزی جز کشتار، اسارت و فروش مردم آفریقا به عنوان برده، گرسنگی و فقر چیز دیگری نبوده است.

قرنها پس از ورود استعمارگران اروپایی به این بخش از آفریقا، مدارس مسیحی در آنجا ایجاد شد و مردم با خواندن و نوشتن به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و پرتغالی و نیز با شعر و ادبیات اروپاییان آشنا شدند و پس از آن، شاعران این منطقه توانستند مبارزات و مقاومت‌های مردم را در برابر ستمهای ناشی از رفتار غیربشری استعمارگران، نابرابریهای اجتماعی و رفتارهای تعصب آمیز تبعیض نژادی موجود در این قاره در قالب شعر به تصویر بکشند. شعر مقاومت آفریقای سیاه، چه آنها که به زبانهای

اروپایی سروده شده و چه اشعاری که تحت تأثیر نهضت نگریتود (سیاه گرایی)^(۱) پدید آمده است، سابقه ای بسیار طولانی ندارد؛ ولی این اشعار از بهترین نمونه های شعر مقاومت در جهان به شمار می آید. شعر مقاومت آفریقای سیاه، شعری است مقاوم و مبارز با گرایش ضد استعماری و فضایی زنده برای حفظ هویت و فرهنگ ملی و نیز شعری است برای مبارزه و رهایی و بالا بردن سطح آگاهی و دستیابی به عدالت و آزادیهای اجتماعی (ر. ک. ترابی، طبل های غران: ۱۵-۴۰).

قسمتی از شعر «سرود جنگ» سروده ویلیامز کوفی آرنور، شاعر غنایی به عنوان نمونه ای از شعر مقاومت قاره آفریقا نقل می شود:

«بگذار تفنگهای سفیدپوستان بفرند / ودودش ما را فرا گیرد / ما تا پای مرگ با آنان خواهیم جنگید / ما باید در میدان جنگ بمیریم / اما مردن در جای دیگر را دوست نداریم» (همان: ۴۴).

شعر مقاومت اروپا

اروپا نیز از زمان جنگهای یونان با ایران باستان و روم محل زد و خورد، جنگ و ستیز و هجوم و مقاومت بوده و از زمان جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم کمتر در صلح و آرامش به سر برده است. علاوه بر جنگهای جهانی اول و دوم، که مرکزشان اروپا بود، جنگهای صد ساله بین انگلستان و فرانسه، جنگهای داخلی بین فاشیستها و آزادیخواهان اسپانیا، نبرد مردم آزادیخواه ایرلند با کشور انگلستان و جنگهای اروپای شرقی، پس از فروپاشی شوروی سابق و نیز مقاومت مردم بوسنی در مقابل صربهای متجاوز از مهمترین نبردها و مقاومتهای مردم اروپا بوده است. بدیهی است حاصل چنین تاریخ پر آشوب و پر کشمکشی، مقاومت و سلحشوری ملت‌های

مورد تهاجم است. شاعران اروپا در طول تاریخ حیات خود، سعی کرده اند با سرودن شعرهای حماسی، تاریخ مبارزه مردم خود را در اشعار خود منعکس کنند و برای آیندگان به یادگار بگذارند.

از سوی دیگر، مردم اروپا نیز مانند سایر ملت‌های جهان از زمان گذشته تا سده‌های اخیر همیشه زیر سلطه حاکمان جابر داخلی زندگی کرده و برای رسیدن به آزادی و برقراری عدالت اجتماعی به مبارزه، اعتراض و مقاومت دست زده اند. در این مرحله نیز مبارزه، استقامت و آزادیخواهی آنان، الهامبخش شاعران در سرودن شعرهای مقاومت و اعتراض بوده است (ر. ک. ترابی، راین و زنجیر: ۱۳-۲۹). برای نمونه قسمتی از شعر «من رعیتم» سروده یوهان ویدینگ، شاعر استونی، نقل می‌شود:

«من یک رعیتم، کار می‌کنم با عرق جبین / برای رضایت ارباب / بی شک کار کردن برای ارباب زشت است / کار، طاقت فرساست و اربابها خارجی اند / و نمی‌فهمند که من انسانم / اغلب می‌اندیشم، زندگی کشاورزان در آلمان / راحت تر از من است؟ ولی نمی‌دانم / و نمی‌دانم از چه کسی باید بپرسم / از ارباب دشمن؟ / و ادارم مکن بخندم! / ارباب زبانم را نمی‌داند و نمی‌تواند / پرسش‌م را درک نکند / و اگر زبانم را می‌فهمید و حرفایم را به او می‌گفتم / روزی کتابی می‌شد پرفروش به زبان استونی / و احتمالاً با آنان اجازه می‌داد تازیانه ام بزنند / در اصطبل ایالتی» (همان: ۲۷۸).

شعر مقاومت در آسیا

تاریخ کهن قاره آسیا، تاریخی پرفراز و نشیب و سرشار از استقامت در برابر بیگانگان است. پس از کشف قاره آمریکا، کشورهای اروپایی برای به دست آوردن غنایم جدید و چپاول ثروت سرزمینهای دور افتاده وارد قاره آسیا شدند. نخست

پرتغالیها در سال ۱۹۴۸ به هندوستان رسیدند و به دنبال آن، انگلیسیها، هلندیها، فرانسویها، روسها و سپس امریکاییها به این منطقه تجاوز، بسیاری از کشورها را مستعمره خود اعلام کردند. در این مسابقه غارت، انگلیسیها و اخیراً امریکاییها گوی سبقت را از دیگران ربوده و جنایتهای غیرقابل وصفی مرتکب شده اند. مردم آسیا در مقابل متجاوزان غربی دلیرانه مقاومت کرده و رنجهای زیادی را متحمل شده اند. مبارزات مردم هند برای رهایی از چنگال استعمار انگلیس، پایداری کشورهای جنوب شرق آسیا در مقابل دولتهای پرتغال، هلند و انگلیس، ستیز مردم افغانستان با حکومتهای انگلیس و روسیه، مقابله و رویارویی مردم جنوب ایران در برابر پرتغالیها و انگلیسیها شکست به یادماندنی امریکاییها در ویتنام، مبارزات مردم چین، کره و دیگر کشورهای آسیایی با متجاوزان غربی و مقاومت دلیرانه مردم فلسطین در برابر صهیونیستهای متجاوز، نمونه‌هایی از این دلاوریهاست.

مقاومت ملت‌های آسیا در مقابل متجاوزان غربی و نبرد دلیرانه آنان برای بیرون راندن غارتگران و کسب استقلال و آزادی، شعر مقاومت مردم این قاره را به شعری ممتاز در میان ادبیات مقاومت جهان تبدیل کرده است (ر. ک. ترابی، آه این دریا: ۱۵-۴۱). برای نمونه قسمتی از شعر توفیق زیاد، شاعر فلسطینی، نقل می‌شود:

«برایت آسانتر است ای دشمن / که پیلی را ز چشم سوزنی بگذرانی / یا از آسمان ماهی برشته ای به چنگ آوری / دریا را شخم می زنی / تا با آزار و شکنجه / پرتو تابان نور ایمان را نابود کنی / یا پیشرفتمان را / حتی یک قدم راه بندی / چرا که ما هزار نادره ایم / همه جا گسترده ایم / در لیداء، در رمله، در جلیله / ما در فلسطین می مانیم» (کاشانی، ۱۳۷۳: ۴۰۴).

شعر مقاومت در اقیانوسیه

قاره اقیانوسیه، قاره جوانی است که سابقه تمدن در آن به کشفیات دریانوردان و نیروهای نظامی دولتهای غربی باز می‌گردد. در سال ۱۶۰۴ هلندیها به سواحل استرالیا رسیدند و پس از آنها انگلیسیها به این منطقه وارد شدند. پس از کشف طلا در این قاره (۱۸۱۵) و انتشارخبر آن در جهان، گروه زیادی از جویندگان طلا از آسیا، اروپا و امریکا به این قاره وارد شدند و تمدن جدیدی را در قاره اقیانوسیه پایه گذاری کردند.

با تبعید زندانیان انگلیسی به این قاره - که شصت سال ادامه داشت - تعداد زیادی از مردم انگلیس به این قاره وارد شدند و با ورود این تبعیدیان و مهاجران آزاد، اندک اندک فکر استقلال بین مردم مهاجر پدید آمد و پس از سالها مبارزه و اعتراض در سال ۱۹۰۰ میلادی به استعمار انگلیس در این سرزمین پایان داده شد و استرالیا به استقلال رسید. در جنگهای جهانی اول و دوم، استرالیا همراه با انگلیس جنگید، ولی خودش مورد تجاوز کشوری واقع نشد. وضعیت زلاندنو نیز تقریباً شبیه استرالیاست؛ با این تفاوت که تجاوز انگلیس در سال ۱۸۴۰ به زلاندنو با مقاومت بومیان ساکن این منطقه منجر شد و پس از سالها جنگ و مبارزه در سال ۱۹۰۷ به استقلال کامل این کشور منجر شد. بنابراین شعر مقاومت در قاره اقیانوسیه دارای سابقه‌ای کمتر و کم رنگتر از سایر نقاط جهان است (ر. ک. ترابی، آه این دریا: ۳۳-۳۵).

قسمتی از شعر «مرثیه ای برای سرباز گمنام» سروده جمیز باکستر، شاعر زلاندنوی به عنوان نمونه ای از شعر مقاومت قاره اقیانوسیه نقل می‌شود:

« پس وقتی جنگ آغاز شد / هم شاد بود، هم غمگین / اما بزودی در نظام

وظیفه ثبت نام کرد/ آن گاه مادرش اندکی گریست/ پدرش تهدیدکنان گفت/
چگونه می تواند با وجود نیازش در مزرعه/ بگذارد او برود [...] تا اینکه در اولین
نبردش/ هدف گلوله توپ قرار گرفت/ پس بالهای پیروزی بر سرش سایه انداخت/ و
او را که از سکوت در آمده بود/ سوزاند و به سکوت بازگرداند» (همان: ۱۴۹).

سابقه شعر مقاومت در ایران

شعر مقاومت در ایران به طور جدی از زمان مشروطیت آغاز شده است، اما با توجه به تعریفی که از شعر مقاومت ارائه شد، می توان مصداقهایی از آن را در طول تاریخ ادبیات فارسی نشان داد. در قرن چهارم و پنجم، که شعر فارسی غالباً در خدمت درباریان بود، شاهد برخی جریانات ملی و مذهبی هستیم که با سلطه حکام متمگر به رویارویی بر می خیزند. دیوان ناصر خسرو و شاهنامه فردوسی اوج این مخالفتها را می نمایند. در قرن هفتم و هشتم به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، شعر متعهد و ملتزم نیز رنگ سیاسی و اجتماعی به خود می گیرد و به شعر مقاومت نزدیک می شود. موضوعاتی چون انتقاد از سلاطین و اوضاع روزگار و مذمت محتسب و شحنه در شعر این دوره درخششی ویژه دارد. در قرن نهم، جامی در اشعار خود از پریشانی روزگار شکوه می کند و گاهی حکام و شاهان را از طمع ورزی بر حذر می دارد. در قرن دهم، توجه شاعران به الفاظ و تعبیرات محاوره ای و ضرب المثلهای عامیانه بیشتر می شود که این زبان برای بیان دردها و مشکلات اجتماعی مناسب بیشتری دارد. در دوره صفویان، که بازار تعصبات و خونریزیهای مذهبی رواج داشت، شاعران اشعار تند و دقیقی سروده و عوام فریبان را به باد انتقاد گرفته اند. انتقاد از ریاکاران و ظالمان، شاید زیباترین بخش از دیوان پر حجم صائب باشد (ر. ک. بصیری، ۱۳۷۶: ۱-۴۳).

در دوره قاجاریه، مقارن با کشته شدن ناصرالدین شاه، رشته شعر و شاعری درباری گسسته می شود و در دوره کوتاه پادشاهی مظفرالدین شاه، گوینده بزرگی بر نمی خیزد. در این دوره به دنبال اقدامات دور اندیشانه و ترقیخواهانه عباس میرزا و امیرکبیر، مردم به پاره ای از آزادیها دست یافته و حقوق سیاسی و اجتماعی خود را درک کرده بودند. به موازات حضور روزافزون مردم در صحنه سیاست و اجتماع در عرصه ادب نیز مضامین و اندیشه های تازه ای رخ نمود که بیشتر از تحولات و دستاوردهای نهضت مشروطیت الهام می گرفت. شاعران این دوره غالباً با انقلاب مشروطیت همراه شدند و مضامینی مانند آزادی، قانون، وطن، مبارزه با استبداد، ستایش از میهن، حقوق مردم و مسائلی دیگر از این قبیل در شعر فارسی وارد شد. در این دوره انجمنها و مجلات ادبی، گروهی از نویسندگان و شاعران را پیرامون خود گرد آوردند و شعر به عنوان زبان برنده نهضت در اختیار روزنامه ها و مطبوعات قرار گرفت. وقوع جنگ جهانی اول و انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷) در تمام شئون کشور ایران بویژه در شعر و ادب تأثیری عمیق گذاشت و موجب پدید آمدن ادبیات کارگری و تمایلات سوسیالیستی در میان شاعران این دوره گردید. اندکی پس از انتقال قدرت از قاجار به پهلوی، این جریان بشدت سرکوب شد. قتل فرخی یزدی و آوارگی و سرانجام، مهاجرت ابوالقاسم لاهوتی به اتحاد جماهیر شوروی از پیامدهای آن به شمار می رود. در این دوره بتدریج پایه های نوجویی و نوپردازی گذاشته شد و در حالی که شاعرانی مانند محمدتقی بهار و ادیب الممالک فراهانی به سنتهای ادبی ایرانی سخت پایبند بودند، شاعرانی مانند سیداشرف الدین گیلانی، میرزاده عشقی و عارف قزوینی، زبان کوچه و بازار را برگزیدند و با صمیمیتی که در این طریق از خود نشان دادند از قبول عام برخوردار شدند. به ترتیب در این دوره

پایه‌های نوجویی و نوپردازی گذاشته شد و بتدریج پیکار کهنه و نو اوج گرفت و سرانجام به ظهور نیما کفه ترازو به سود تجدد و شعر نو سنگین شد (ر. ک. همان و یا حقی، ۱۳۸۵: ۸-۲۰).

شعر مقاومت در قالب (نو) نیمایی) با قطعه «محبس»^(۲) نیما آغاز شد و به وسیله شاعرانی مانند مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، سیاوش کسرایی، اسماعیل خویی، خسرو گلسترخی و دیگران ادامه یافت. اگرچه شاعران قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از آزادی بیان نسبی برخوردار بودند، غالباً تحت تأثیر احزاب مختلف و روزنامه‌های طرفدار آنها بویژه حزب توده قرار داشتند. پس از کودتا، قدرت شاعران محدودتر شد و شاعر مقاومت که هم جان خود را در خطر می‌دید و هم به تقلید از نیما ابهام را برای بیان مطالب برگزیده بود، شعر را از صراحت بیان خارج کرد؛ ولی بیشتر شعرا به علت ترس از ساواک، علاقه به وضع موجود و یا کلاً بی‌اعتنایی به رسالت شعر به مسائل اجتماعی توجهی نشان نمی‌دادند و اقسام فجایحی که در زمان شاه وجود داشت و نیز برخی حوادث تاریخی، مانند قیام پانزده خرداد، در شعر مورد توجه قرار نگرفته است. دلایل اوج و حضيض شعر مقاومت به اختناق حاکم بر جامعه، مبارزات مردمی و مسلحانه و همچنین با امید و ناامیدی شاعر ارتباطی مستقیم دارد؛ چنانکه پس از کودتای ۲۸ مرداد، شعر مقاومت دچار رکود شد؛ اما بعد از سال ۱۳۴۰ به دلیل مبارزات امام خمینی (ره) و مبارزات مسلحانه مردم به اوج خود رسید (ر. ک. محمدی شکبیا، ۱۳۷۸: ۴۲۰-۴۲۳).

بعد از سال ۱۳۴۰، انقلابیون پس از چند دوره سرکوب، دست به اسلحه بردند و مبارزات پراکنده تا بهمن سال ۱۳۴۹ (ماجرای حمله به پاسگاه سیاهکل در شمال ایران) ادامه یافت. بعد از ماجرای سیاهکل، دفاع از خط‌مشی چریکی ارزش شد و شاعران بسیاری به چریکها پیوستند. در این دوره بسیاری از شاعران به پیروی از سعید

سلطانپور، بانی شعر چریکی ایران برای چریکهای جنگل شعر سرودند؛ حتی ترانه‌ها نیز سمت و سوی سیاسی به خود گرفته بود. این جریان شعری تا سال ۱۳۵۲ (زمان دستگیری و اعدام خسرو گلسرخی) ادامه داشت. بعد از اعدام گلسرخی، سانسور شدیدی از سوی رژیم اعمال شد و بسیاری از شاعران و نویسندگان ممنوع القلم شدند. در سال ۱۳۵۵ کارتر، رئیس جمهور آمریکا، شاه را موظف کرد که اصول حقوق بشر را در ایران به اجرا در آورد. نخستین نشانه‌های فضای باز سیاسی در تابستان ۱۳۵۶ ظاهر شد. برخی از نمایندگان مجلس و دولتمردان در رادیو و روزنامه‌ها به انتقاد پرداختند. کانون نویسندگان نیز دوباره تشکیل شد و شبهای شعر و سخنرانی بر پا کرد. در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ با چاپ مقاله‌ای توهین آمیز به امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات، نخستین جرقه شورش در قم در گرفت و پس از آن، آتش انقلاب به سراسر ایران سرایت کرد (ر. ک. شمس لنگرودی، ۱۳۷۷: ۲-۲۰).

در دوران انقلاب، ادبیات انقلاب اسلامی با شعار وارد میدان شد. «این شعارها - و گاه سروده‌ها - بنا بر ماهیت ادبیات مقاومت با ویژگیهای ادب عامه همراه بود؛ یعنی انتخاب وزنهای ساده، ادبیات کوتاه و سروده‌های آهنگین و شعر - در مفهوم عام آن - به عنوان رایجترین نمودار ادبی بین مردم ایران به یاری این مبارزه آمد. انتخاب اوزان ساده و کوتاهی مضامین در شعرها و سروده‌ها به همه گیر شدن آن در تظاهرات مردم کمک کرد. چنین سروده‌هایی تا پیروزی انقلاب اسلامی در همه راهپیماییهای بزرگ خیابانی، شبنامه‌ها، اعلامیه‌ها، سخنرانیها و ... کاربرد گسترده‌ای داشت و به عنوان سلاحی شفاهی، توسط توده مردم بر ضد نظام شاهنشاهی به کار گرفته می‌شد» (بهبودی، ۱۳۷۳: ۷۹-۸۰). سرانجام پس از مبارزات دلیرانه مردم ایران، انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و رژیم ستمشاهی سرنگون شد.

اوضاع ادبی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

هنوز چند صباحی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نگذشته بود که این نهال نوپا مورد هجوم آفت‌های گوناگون قرار گرفت. در حالی که فرزندان انقلاب به فکر ترمیم خرابی‌های به جا مانده از رژیم گذشته بودند، بعضی از گروه‌ها که اهداف انقلاب را در جهت منافع و مصالح حزبی خود نمی‌دیدند در مقابل آن موضعگیری کردند. از سوی دیگر توطئه کردستان نیز آغاز شد و نیروهای انقلابی با جنگ تمام عیار داخلی رو به رو شدند. بعضی از گروه‌ها هم خود را به کناری کشیدند و روشنفکرانه به تجزیه و تحلیل مسائل پرداختند؛ به قول سلمان هراتی برای حل جدولی بفرنج از پنجره به دریا نگاه می‌کردند:

«وقتی جنوب را بمباران می‌کردند/ تو در ویلای شمالی ات/ برای حل کدام جدول بفرنج/ از پنجره به دریا نگاه می‌گردد» (کاکایی، ۱۳۶۷: ۱۳۵).

این جریانها در حوزه فرهنگ نیز صف آراییهای جدیدی را ایجاد کرد. «در زمینه ادبیات (به معنای کلی کلمه) صف متولیان ادب و هنر ایران اسلامی با ایران دموکراتیک و حتی غیراسلامی از یکدیگر جدا شد؛ به زبان دیگر: صف شعرا و نویسندگان اهل ولایت با غیرولایی و حتی غیر الهی از یکدیگر جدا شد» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۰).

استمرار ادبیات معاصر را در عصر انقلاب در سه شاخه جداگانه و متفاوت از هم می‌توان بررسی کرد:

۱- شاعران و نویسندگانی که در دهه‌های پیش از انقلاب، کار خود را با تمایلات رقیق مذهبی آغاز کردند و با پیروزی نهضت با ارزشهای نوین هماهنگ شدند و در آثار بعدی خود، تجربه‌های پیشین و دستاوردهای نوینی را - که از

رهگذر انقلاب عاید شده بود - با هم در آمیختند. این گروه با تکیه بر پشتوانه ادبی پیش از انقلاب و تلفیق آن با ارزشهای نوین، توانسته است به عنوان جریان پیش کسوت و نسل کمال یافته پا پیش بگذارد و نسل جوان و گروه مستعد و معتقدی را در کنار خود پرورش دهد. از شاعران این گروه می توان مشفق کاشانی، حمید سبزواری، قادر طهماسبی، نصرالله مردانی، علی معلم، سپیده کاشانی، محمدجواد محبت، مهرداد اوستا، سیمیندخت وحیدی، علی موسوی گرماوردی، محمود شاهرخی، حسین لاهوتی (صفا)، عباسعلی براتی، طاهره صفارزاده و ... را نام برد.

۲- شاخه ای از ادبیات فارسی هم بود که با تمایلات و دلبستگی های عموماً متمایل به غرب از گذشته وجود داشت. از شاعران و نویسندگان این شاخه، گروهی که وضع داخل کشور و ارزشهای انقلاب را نمی توانستند بپذیرند و یا دست کم تحمل کنند به خارج از کشور - عمدتاً اروپا و امریکا - رفتند و در آنجا کار خود را دنبال کردند. فضا و پیام اشعار این گروه، اغلب شعار و عصیت ضد دولتی است.

۳- گروهی دیگر از این شاعران هم که به وطن و سرزمین خود دلبستگی بیشتری داشتند و می توانستند به گونه ای با انقلاب و ارزشهای ناشی از آن کنار بیایند یا آن را تحمل کنند در داخل کشور ماندند و کار خود را هم عرض با انقلاب و نه لزوماً در داخل آن، دنبال کردند. بعضی از این شاعران، مانند مهدی اخوان ثالث، حتی در مدح رزمندگان دوران دفاع مقدس و هجوم صدام شعر گفته اند (ر. ک). بیگی حبیب آبادی، پرویز، حماسه های همیشه؛ ج ۱: ۷۵-۸۲).

گروه سوم، شاخه جوان ادبیات امروز ایران است که عموماً سن کم پدیدآورندگانش اقتضا نمی کرد که پیش از انقلاب آثاری پدید بیاورند. اینان کار ادبی خود را در انقلاب آغاز کردند و چون به اصول و مبانی آن اعتقاد داشتند به

طور طبیعی و بی هیچ کوششی منادی اندیشه‌ها و پیامهای انقلاب شدند (ر.ک. یا حقی، ۱۳۸۵: ۲۰۰-۲۰۴ و رستگار ۱۳۷۳: ۲۵۱).

چنانکه گذشت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سیل توطئه‌ها به سوی ایران سرازیر شد. توطئه کردستان و سایر توطئه‌های داخلی، توان نظامی ایران را به خود مشغول کرد. در این وضعیت، رژیم بعث عراق به طور مکرر مرزهای ایران را مورد تجاوز قرار می‌داد؛ به طوری که «از تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ تا ۳۰ شهریور ۱۳۵۹، ۳۶۳ مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی از جانب عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت [...] و در نهایت رژیم عراق پس از بیست ماه مقدمه چینی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حمله گسترده خود را به جمهوری اسلامی آغاز کرد» (ولایتی، ۱۳۸۰: ۴۱).

با آغاز جنگ تحمیلی، مردم انقلابی ایران برای دفاع از انقلاب و میهن خود بسیج شدند و دلاوریها و حماسه آفرینیهای رزمندگان دفاع مقدس، فصلی جدید از شعر مقاومت را در گستره ادبیات معاصر باز کرد و آن را به اوج خود رساند.

ژوئشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شعر مقاومت در دوران دفاع مقدس

شعر دفاع مقدس همزمان با آغاز جنگ تحمیلی متولد شد. نخست اشعار و سرودهایی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای تبلیغ حماسه آفرینیهای رزمندگان اسلامی پخش می‌شد. بزرگ و ناگهانی و غیرقابل منتظره بودن حادثه جنگ، توجه به مخاطب، اقتضای زمان و دیگر عوامل باعث شده است که در اشعار سالهای آغازین جنگ، تخیل - که عنصر اصلی در شعر است - ضعیف باشد. «از ویژگیهای بارز شعر این دوره، باید به نمود مضامین مختلف مربوط به جنگ در آن

اشاره کرد. شاعر، تصاویر ذهنی خود را از واقعیتها می گیرد و کمتر به کنایه و تصاویر مخیل و سمبلیک توجه دارد. در شعر این دوره بیشتر توجه شاعران به تشبیه های صریح برای بیان واقعه گویی بر مبنای اخبار جنگ است. شاعر سعی می کند تا آنچه را شنیده یا در میدان مبارزه به چشم خود دیده، بدون هیچ کم و کاستی به مخاطب عرضه کند؛ اما عمق واقعه تا حدی است که شاعر مجالی برای پرداخت مخیل تصویرهای شعری خود ندارد» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۷).

در این دوره، برخی از شاعران سلاح به دست گرفتند و در خطوط مقدم جبهه از انقلاب و میهن خود پاسداری کردند. این دسته از شاعران، ایثارگریها و جانفشانیهای رزمندگان را به چشم خود دیده و خود نیز یکی از حماسه آفرینان بوده اند. بنابراین باز آفرینی واقعیتهای ملموس و محسوس جنگ در شعر این دسته از شاعران از بُعد تخیلی صرف خارج شده و بیشتر جنبه عینی و واقعی به خود گرفته است. «به غیر از شعرهای شعاری مستقیم که اثری آنی و زودگذر دارد و شاید در آن مقطع از زمان ضروری بوده است، بسیاری از شاعران این نسل، زبان انقلاب را درک کرده و شناخته اند و با دریافت مفهوم اصیل سیاست، عرفان و آگاهی اجتماعی، شعر را از نظر تصویرسازیهای نو به راهی تازه کشانده اند.

این ویژگی را می توان در شعر شاعرانی مانند قیصر امین پور، یوسفعلی میرشکاک، محمدرضا عبدالمکیان، فاطمه راکعی، صدیقه و سقمی، افشین سرفراز، اکبر بهداروند، علیرضا قزوه، محمدعلی بهمنی، پرویز عباسی، عباس خوش عمل و... مشاهده کرد» (رستگار، ۱۳۷۳: ۲۴۶).

به نمونه ای از این تصویرسازیها در شعر خانم صدیقه و سقمی توجه کنید:

«تمام شهر سنگر بود / تمام خانه ها خالی / تمام کوچه ها از ابتدا تا انتهای شهر /

تنها بود/ پس از روزی که مرگ و فتنه بر مردم هجوم آورد/ و باغ سبز رؤیا/ زیر آوار غم و آوارگی افسرد/ زن ماهی فروشی که تمام هستی اش را/ در کپر سوزانده بودند/ سر بازار تبار نشسته بود/ و اهواز از هجوم موشک دشمن پر از فریاد بود و خون/ و صبح سال نو در سفره مردم/ خدا بود و خروش خنده شیرین یک کودک/ که با خمپاره خونین شد» (همان: ۲۷۶).

شعر مقاومت ایران از زمان آغاز جنگ تحمیلی تا امروز به حیات خود ادامه داده و توانسته است در مسیر رشد و بالندگی قدم بردارد. این شعر با ایجاد تغییری اساسی در محتوا و گاهی در شکل، ادبیات معاصر ایران را بسیار غنی و پربار کرده است. در شعر مقاومت این دوره، قالبهای کهنه و نو هر دو وجود دارد. تمام این قالبها از محدوده شناخته شده خود گذشته و با حماسه در آمیخته است. در شعر دفاع مقدس «واژگان و ترکیباتی که پیش از این کاربرد کمی داشتند و یا به کلی مهجور بودند، مجال گویش و گسترش یافته اند؛ واژگانی مانند تکبیر، شهادت، شهید، جبهه، الله اکبر، فجر، ولایت، لاله، جماران، بسیجی و ...» (تجلیل، ۱۳۷۳: ۹۱).

در شعر این دوره، شاعر زبانی را به کار می گیرد که برای مردم مأنوس و آشناست. توجه به مضامین دینی بویژه تلمیحات عاشورایی، درونمایه بیشتر اشعار دفاع مقدس را تشکیل می دهد. شاعر دفاع مقدس، شعر گفتن را یک تکلیف الهی می داند و «در هیچ دوره ای از ادوار تاریخ تا این اندازه جوانان مذهبی و متدین و خود ساخته به شعر روی نیاورده اند [...] شاعران انقلاب اسلامی برای خدا از نظام جمهوری اسلامی خویش دفاع می کنند و زمامداران نیز مشوق صادق استعدادهايند. در طول تاریخ بشر تا این لحظه چنین پیوندی صادقانه بین حکومت و شاعران وجود نداشته است و این مقدار شعرخوانیها و کنگره های ادبی را تاریخ جهان سراغ ندارد» (اولیایی، ۱۳۷۳: ۵۷).

شعر دفاع مقدس یکی از پربارترین دروه‌های شعر فارسی به شمار می‌رود و این همه را مدیون اینارگریهای رزمندگان اسلام است. در مقابل، این شعر به عنوان شعری متعهد در خدمت دفاع مشروع مردم ایران بوده و در ایجاد فضایی حماسی در جامعه آن روز، حفظ ارزشهای دفاع مقدس، انتقال فرهنگ مقاومت به نسلهای آینده و نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب نقشی اساسی به عهده داشته است.

نقش شعر در دفاع مقدس مردم ایران

زبان شعر، زبان تخیلی، عاطفی و مهیج است. شاعر سعی می‌کند با استفاده از صور خیال شعر (آرایه‌های بدیعی و فنون معانی و بیان) احساسات را برانگیزد. با تحریک احساسات می‌توان کسی را بر انجام دادن کاری برانگیخت و یا از انجام دادن آن منصرف کرد. استفاده از آرایه‌های بدیعی، شعر را زیبا می‌کند و مخاطب را بر سر ذوق می‌آورد؛ علم معانی درباره شیوایی و مطابقت کلام با مقتضای حال بحث می‌کند و در فن بیان، ادای معنایی واحد به شیوه‌های مختلف بررسی می‌شود مشروط بر اینکه آن اداها مخیل باشد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در زبان شعر، کلمه‌ها و جمله‌ها غالباً در معنای حقیقی خود به کار نمی‌رود و با توجه به قرینه‌ها باید به منظور شاعر پی برد. بعضی از این قرینه‌ها در کلام، آشکار و برخی بسیار دیرباب است و پس از تجزیه و تحلیل‌های فراوان می‌توان به منظور شاعر پی برد (اقتباس از همایی، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

تخیلی‌تر و دیرپاتر بودن قرینه‌ها در شعر، ارزش ادبی آن را افزایش می‌دهد و شعر را از حالت شعارگونه دور می‌کند؛ اما بلاغت اقتضا می‌کند که در تبلیغات دفاعی - آن هم در زمان جنگ - از آرایه‌هایی استفاده شود که قرینه‌هایشان سهل الوصول باشد؛ زیرا همه مخاطبان شعر جنگ، منتقد ادبی نیستند و با علوم بلاغی و

فنون ادبی آشنایی ندارند. اشعاری که دارای آرایه‌های پیچیده ادبی و قرینه‌های دیرپاب باشد برای مخاطب، نامفهوم و در نتیجه بی تأثیر خواهد بود.

به هر حال شعرها، حتی شعرهایی که به زبان تخیلی و ادیبانه سروده، و مقتضای حال مخاطب نیز در آن رعایت شود، بسیار مؤثرتر و مهیج‌تر از کلامی است که در آن هیچ عنصر تخیلی به کار نرفته باشد؛ برای مثال به تحلیل شعر بسیار معروف «ما هزاران دام را خواهیم گسست، اینکه صدام است» توجه کنید: اسم «صدام» واژه‌ای بسیار پر هیبت است؛ زیرا صیغه مبالغه و به معنای «بسیار صدمه زنده» است. در این شعر با آوردن قرینه «هزاران دام»، «صدام» (بسیار صدمه زنده) به «صدمه» تبدیل شده، و آن را در مقابل هزاران دام تحقیر کرده است. پر واضح است که این شعر برای تقویت روحیه رزمندگان بسیار مؤثرتر از این است که بگوییم «ما در جنگ، صدام را شکست خواهیم داد»؛ هر چند دو جمله به یک معناست.

شاعران دفاع مقدس سعی می کردند که منظور خودشان را با سادگی و صراحت لفظ بیان کنند و به جای استفاده از انواع آرایه‌های پیچیده ادبی - که موجب زیبایی لفظ می شود - با احساس و عاطفه‌ای پویا، معانی ذهنی خود را به مخاطب القا کنند؛ به عبارت دیگر شاعران دوران جنگ به معنی شعر بیشتر از لفظ آن اهمیت می دادند و در عین حال از به کار بردن آرایه‌های ساده و سهل الوصولی که موجب استحکام معنای شعر شود، غفلت نمی ورزیدند. به نمونه‌هایی از این آرایه‌ها اشاره می شود:

تلمیح

«تلمیح اشاره به داستانی در کلام است و دو رُف ساخت تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای این داستان، تناسب وجود دارد» (شمیا، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

حماسه آفرینیهای رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس در فرهنگ عاشورا ریشه دارد. شعر دفاع مقدس «درخشانترین درونمایه حماسی خود را از حماسه بزرگ عاشورا گرفته است. نه تنها اندیشه و آرمان عاشورایی، بلکه نمادهای عاشورایی و تشبیه سمبلیک رزم آوران آن در تهییج جوانان آرمانخواه و شهادت طلب نقش اساسی داشته است. بستن پیشانی بندهای سرخ و سبز، که نمادهایی از شهادت و پیام و حسینی مردن و زینبی زیستن، همچنین علم و کتل و سینه‌زنی‌های سنتی و شعار سمبلیک از دیگر اجزا و عناصر معنوی و حماسی جبهه‌های نبرد بوده است» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

شاعران دفاع مقدس تلاش می‌کردند تا با تلفیق حوادث جنگ با حادثه کربلا برای حضور در جبهه‌ها شورآفرینی کنند. بیشتر تلمیحات شعر دوران جنگ به حادثه بزرگ عاشورا اشاره دارد؛ برای مثال حسین اسرافیلی می‌گوید:

باز سرها به نیزه می‌خواهند خولیان در پناه جوشنها

هان مبادا حسین بار دیگر در مصاف یزیدیان تنها (همان).

حادثه کربلا به قدری در شعر دوران جنگ مؤثر است که گاهی شاعر، جبهه را صحرای کربلا و پیر جماران را حسین زمان می‌داند که صدای «هل من ناصر» او بسیجیان را به جبهه فرا می‌خواند؛ چنانکه سیدحسن حسینی می‌گوید:

می‌روم مادر من اینک کربلا می‌خواندم

از دیاری دور یاری آشنا می‌خواندم

بانگ هل من ناصر از کوی جماران می‌رسد

در طریق عاشقی روح خدا می‌خواندم

(کاکایی، ۱۳۷۶: ۷)

تا جایی که علی معلم هر روز را عاشورا و هر جا را کربلا می داند:

شبگیر غم بود و شیخون بلا بود هر روز عاشورا و هر جا کربلا بود

(قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

تلمیحات عاشورایی در شعر دفاع مقدس در تهییج نیروهای مردمی برای حضور در جبهه‌ها و بالا بردن روحیه شهادت طلبی آنان، نقشی بسیار مؤثر و اساسی داشت؛ زیرا کربلا قبله گاه شهادت بسیجیان بود.

در شعر دفاع مقدس گاهی نیز شاعرانی به قهرمانان اساطیری ایران زمین تلمیحی داشته اند؛ چنانکه نصرالله مردانی می گوید:

«جنگجویان دلاور پشتازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش»

و یا

«به روی رستم بیدار دل شغاد پلید کشیده خنجر تزویر از نیام هجوم»

(همان: ۱۹۴)

تشبیه

«تشبیه مانند کردن چیزی است به چیزی؛ مشروط بر اینکه آن ماندگی ادعایی باشد نه حقیقی؛ یعنی این دو چیز علی الظاهر شبیه به هم نیستند و این ما هستیم که شباهت را ادعا و برقرار کرده ایم» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۵۹).

تشبیه چهار رکن دارد؛ برای مثال در بیت زیر که محمدرضا سهرابی نژاد «خروشیدن سرباز» را به «تندر خشمگین» تشبیه کرده است، «سرباز» مشبه، «تندر خشمگین» مشبه به، «خروشیدن» وجه شبه و «چون» از ادات تشبیه است:

چون تندر خشمگین خروشد سرباز تا محو هجوم خصم جوشد سرباز

(بیگی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۶۸)

در تشبیه، اصولاً وجه شبه باید در مشبه به آشکارتر و قوی تر از مشبه باشد تا با نوعی اغراق، مشبه را هم در آن صفت مانند مشبه به بدانیم. در مثال فوق، صفت «خروشیدن» در تندر خشمگین آشکارتر و قوی تر است؛ اما گاهی شاعر بر مبالغه تشبیه می افزاید و وجه شبه را در مشبه قوی تر و آشکارتر از مشبه به جلوه می دهد؛ برای مثال:

این زلزله نیست بانگ تکبیر من است

این صاعقه نیست رقص شمشیر من است

(همان: ۶۶۶)

استعاره

اگر از جمله تشبیهی، مشبه، وجه شبه و ادات تشبیه را حذف کنیم به نحوی که فقط مشبه به باقی بماند به این مشبه به استعاره می گویند. استعاره در حقیقت تشبیه فشرده است؛ یعنی تشبیه را آن قدر خلاصه و فشرده می کنیم تا از آن مشبه به باقی بماند. از برتریهای استعاره بر تشبیه، علاوه بر ایجاز این است که در تشبیه ادعای شباهت است و در استعاره ادعای این، همانی (ر. ک. شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۳)؛ برای مثال: در تشبیه ادعا می کنیم که شجاعت رزمنده، مانند شجاعت شیر است؛ ولی در استعاره ادعا می کنیم که رزمنده در شجاعت، خود شیر است؛ چنانکه «خاسته» می گوید:

مرد جنگ و حذر از عده دشمن هیهات

نشمرد شیر به میدان عدد اعدا را

(قزوه، روایت چهاردهم: ۱۰۴)

در شعر دفاع مقدس غالباً شیر و ببر و نهنگ و پلنگ استعاره از رزمنده است و لاله و شقایق و گل‌های فرو ریخته، استعاره از شهید و استعاره‌هایی دیگر، همچون «گل شمشاد» که در بیت زیر استعاره از جوان بلند قامتی است که در دست دشمن اسیر است:

گل شمشاد من شادیتو بینم دلم می خواد دامادیتو بینم
نیمی می وزه از کوی غربت الهی روز آزادیتو بینم

(قزوه، قطار اندیمشک: ۷۴)

در بیت زیر از سعید بیابانکی نیز «ناپدید شدن در کوه» و «شهید شدن» قرینه‌ای بر این است که منظور از ببر و سرو، رزمنده شجاع و راست قامت است:

چه ببرها که در این کوه ناپدید شدند

چه سروها که در آغوش من شهید شدند

(قزوه، روایت چهاردهم: ۷۹)

استعاره نیز همچون تشبیه انواع گوناگونی دارد که پرداختن به آنها موجب تطویل کلام می‌شود و در حوصله این مقاله نمی‌گنجد.

اغراق

اغراق توصیفی است که در آن افراط و تأکید شده باشد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۰۳). اغراق از آرایه‌های است که با شعر حماسی بیشتر سازگاری دارد. می‌توان ادعا کرد که در طول تاریخ ادب فارسی، هیچ شاعری به زیبایی و به اندازه فردوسی این آرایه را به کار نبرده است.

شاعران دفاع مقدس نیز از آرایه اغراق برای تصویر آفرینی حماسه‌سازیهایی رزمندگان اسلام یاری جسته‌اند؛ مانند «آب شدن کوه آهن» در بیت زیر از نصرالله مردانی:

ای یلان صف شکن اسطوره شد ایثار تان

کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان

در شعر قزوه شاهد آن‌گونه اغراق شاعرانه‌ای هستیم که جنبه عرفانی آن به فراموشی سپرده نشده و شاعر، تصویرگر دلیر مردانی است که قله‌های عرفان را پیموده‌اند:

خوشا مستی که دل را نذر می‌کرد دو عالم راه را یک لحظه طی کرد
خوشا آنان که چرخیدند در خون خدا را ناگهان دیدند در خون
تورا در هور دیدم غرق نوری کجا خورشید دارد سنگ گوری

(قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۷۰)

دو عالم راه را در یک لحظه طی کردن، در خون سماع کردن و خدا را دیدن و نیز غرق در نور بودن، اغراقهای شاعرانه‌ای است که در این شعر به کار رفته است. کاربرد آرایه‌های لفظی و معنوی در اشعار حماسی دفاع مقدس بسیار زیادتر از آن است که در این مقاله بگنجد و به ذکر همین مقدار - به عنوان نمونه - بسنده می‌شود.

مضامین شعر دفاع مقدس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شعر مقاومت با مضامین سیاسی و شعارهای انقلابی مسیر طبیعی خود را طی می‌کرد که ناگهان تهاجم گسترده رژیم بعث عراق

به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. مردم انقلابی ایران برای دفاع از مرز و بوم و آرمانهای مقدس خود قیام کردند و شاعران انقلاب اسلامی نیز به عنوان تکلیف الهی قلم به دست گرفتند و اشعاری سرودند که در تهییج و تشجیع مردم و رزمندگان بسیار مؤثر بود. مهمترین مضامین شعر دفاع مقدس عبارت است از:

۱- تهییج مردم برای حضور در جبهه‌ها

با توجه به وضعیت نظامی در آغاز جنگ و درگیریهای داخلی، اعتقاد بر این بود که تنها جانبازی مردم می تواند سد راه دشمن باشد و چون مردم برای ایمان و اعتقاد خود می جنگیدند، شاعران دفاع مقدس سعی می کردند که با تشبیه جبهه به کربلا و با توسل به مفاهیم مذهبی و اعتقادات مردم - و البته خودشان - آنان را برای حضور در جبهه فرا خوانند؛ برای مثال: محمدرضا شهبازی نژاد می گوید:

ما سالک راهیم، ره سرخ حسین از نسل دلاوران بدریم و حسین
پوشیده کفن جمله مهبای جهاد تا آنکه چه فرمایدمان پیر خمین

(بیگی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۶۸).

یا رحمت الله حسن پور، جبهه را کربلا و پیر جماران را حسین زمان می نامد و مردم را به یاری او فرا می خواند:

دهد پژواک خون پاسداران پیام آتشین سربداران
حسین عصر را یاری نماید زمین کربلا گردیده ایران

(همان: ۳۷۴)

۲- شورآفرینی در رزمندگان و فراخوانی آنان برای پایداری در جبهه‌ها

شاعران دفاع مقدس سعی می کردند با لحنی حماسی و بدون مغلط گویی و تصویرسازیهای تخیلی پیچیده، رزمندگان را برای پایداری در جبهه‌ها تشویق کنند. در شعر دفاع مقدس، تمام قالبهای شعری رنگ حماسی به خود گرفته بود؛ ولی

قالبهای کوتاهی چون دو بیتی و رباعی، مؤثرترین قالبها برای این منظور بود؛ برای مثال: محمدرضا عبدالملکیان می گوید:

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست
هرگز ندهیم تن به ذلت هرگز
و ندر ره دوست مردن اندیشه ماست
در خون زلال کربلا ریشه ماست
(قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۴)

و یا محمدرضا سهرابی نژاد می گوید:
ما مرد نبردیم، چه برنا و چه پسر
بر منبر نیزه این چنین گفت حسین
در مکتب ما مرگ حقیر است حقیر
مردانه بجنگ یا دلیرانه بمیر
(بیگی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۶۷)

۳- ترویج فرهنگ شهادت طلبی

داشتن روحیه شهادت طلبی، رمز پایداری رزمندگان در جبهه‌ها بود. آنان با داشتن این روحیه، همچون صخره ای استوار در مقابل تانکهای غول پیکر دشمن صف کشیدند. فهمیده‌ها نارنجک به کمر بستند و زیر تانک رفتند و گردانهای مین پیمای بسیجی به روی مینها رفتند تا راه را برای نیروهای عمل کننده باز کنند. ترویج فرهنگ شهادت طلبی، یکی دیگر از مضامینی بود که شاعران دفاع مقدس به آن پرداخته و آثار بسیار حماسی و مهیجی آفریده‌اند. در شعر علیرضا قزوه «شهادت» تنها آرزوی رزمنده است:

گل اشکم شبی وا می شد ای کاش
همه دردم مداوا می شد ای کاش
به هر کس قسمتی دادی خدایا
شهادت قسمت ما می شد ای کاش
(قزوه، قطار اندیمشک: ۲۰)

اعتقاد به معاد و زندگی جاودانی، باعث شده بود که رزمندگان، حیثیت مرگ را به بازی بگیرند و آن را تحقیر کنند. همین مسئله عامل روحیه شهادت طلبی در

رزمندگان بود که در شعر دفاع مقدس نیز انعکاس یافته است؛ نظیر شعر معروفی که در دوران دفاع مقدس ورد زبان رزمندگان و مهیج آنان بود:

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او عمری ستانم بس دراز او زمن دلقی ستاند رنگ رنگ

در شعر سودابه مهیجی، رزمنده دعا می کند که پاره های تن او پیدا نشود تا به جای قبر، دستهای ابالفصل سایه سار او باشد:

دعا کنید که من ناپدید بشوم

که در حضور خدا روسفیدتر بشوم

به جستجوی من و پاره های من نروید

برای گمشده من پی کفن نروید

همیشه مهدی موعود در کنار من است

و دستهای ابالفصل سایه سار من است

(قزوه، روایت چهاردهم: ۲۸۳)

۴- اشعار عرفانی حماسی

حماسه را دلیری و نبرد معنی کرده و آن را نوعی از اشعار وصفی دانسته اند که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی و افتخارات و بزرگیهای قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد و عده ای نیز آن را تجلی اندیشه های آرمانی انسان می دانند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

عرفان نیز طریقه ای است در کشف حقیقت که بر ذوق و اشراق و اتحاد با حقیقت تکیه دارد (یثربی، ۱۳۶۶: ۳۳). در ادبیات فارسی، شعر حماسی را فردوسی و عرفان را مولوی به کمال رسانده است؛ ولی در شعر دفاع مقدس این دو مضمون با هم تلفیق و آثار بسیار ارزشمند و ماندگاری خلق شده است. در عرفان، مرید بی

چون و چرا از مراد خود پیروی می کند؛ چنانکه حافظ می گوید: «به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید» (دیوان حافظ). رزمندگان اسلام عارفانی بودند که با شناخت و ایمان به پیر جماران، منتظر اشاره و فرمان او بودند. عرفان در شعر دفاع مقدس «صوفیگری یأس آلود یا انتظاراتی طاقت فرسای بی عمل نومیدانه نیست. عرفان در شعر انقلاب، مبارزه با طاغوت و در میدان آتش و گلوله و خون و در سنگرها و جبهه های نور در برابر ظلمت رقم خورده است و عارفان و سالکان طریق، این عرفان را آگاهانه انتخاب کرده و در گردانهای منتظر شهادت و یا تیپهای مین پیمای شهادت طلب ثبت نام کرده اند. عارفان شعر انقلاب، فهمیده هایی هستند که معادله جدید تن و تانک را خلق کرده اند که خود جلوه دیگری است از پیروزی خون بر شمشیر و تن بر تانک» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۶-۱۷).

حماسه آفرین جبهه حق قبل از مبارزه با دشمن، باید با نفس خود به مبارزه برخیزد. در شعر حسین اسرافیلی، توفیق شهادت شامل حال رزمنده ای است که زنجیر تعلقات مادی را پاره و با نفس خود مبارزه کند تا خدا او را قابل فیض خود و لایق شهادت گرداند:

مرد این باره نه ای ورنه سواران رفتند

مائده و سوسه ای، سلسله در پاست تو را

بی پر عشق پریدن نتوان لاف مزین

تو اسیر هوسی لانه همین جاست تو را

باده می جوشد و هنگامه نوشانوش است

قابل فیض نه ای ورنه مهیاست تو را

آنکه پرپر شد از این باغ گلی دیگر بود

نیغ حق لایق آن خم نمی خواست تو را

(کاکایی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)

۵- سوگنامه‌های حماسی

یکی از نفاط قابل توجه در سوگنامه‌های شعر دفاع مقدس، حماسی بودن آنهاست که بر جهاد و دفاع و ادامه راه شهیدان تأکید دارد. این سوگنامه‌ها غالباً رنگ عاشورایی دارد و گاهی شاعر در سوگنامه‌ها، جانبازی و ایثار رزمندگان را چنان با جانبازان یاران با وفای امام حسین (ع) تلفیق کرده که گویی این، همان است؛ چنانکه قزوه می‌گوید:

حسن یعنی حسین صبر پیشه شهید کربلاهای همیشه
حسن گفتم حسینی تر شد این دل به یاد کربلا محشر شد این دل
حسین من ابوالفضل دگر بود صدایی تابناک و شعله ور بود

(قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲۶)

یکی از موفقترین سوگنامه‌های دفاع مقدس، شعر غریبانه (یاران چه غریبانه رفتند از این خانه) از پرویز بیگی حبیب آبادی است. شعری که از همان آغاز سرایش با اقبال عمومی رو به رو شد و در طول دفاع مقدس به صورت نوحه در سینه‌زنیهای سنتی رزمندگان خوانده می‌شد. با اینکه حزن و اندوه در سراسر این شعر پیچیده شده است، شاعر شنونده را به مقاومت تا پای جان فرا می‌خواند:

تا سر به بدن باشد این جامه کفن باشد فریاد اباذرهاره بسته به بیگانه

(کاکایی، ۱۳۷۶: ۵۷)

بعضی از سوگنامه‌ها علاوه بر فراخوانی مردم به پایداری و ادامه راه شهیدان از وزنی حماسی و شور آفرین برخوردار است؛ مانند شعر زیر از عباس خوش عمل:

بگریید بگریید بر این پیکر بی سر

بر این یار شهیدی که افتاده به سنگر (...)

برآنیم برآنیم که راهت بسپاریم

به برنامه اسلام به فرموده رهبر

(بیگی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۶۴)

نتیجه

با توجه به مباحث این مقاله می توان نتیجه گرفت:

- ۱- ادبیات مقاومت حاصل پایداری «توده های مردم» در برابر استبداد داخلی یا متجاوزان خارجی است که شاعران و پیشروان فکری هر جامعه آن را می آفرینند.
- ۲- قبل از انقلاب مشروطیت، مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی نقشی نداشتند؛ بنابراین انقلاب مشروطیت را می توان آغاز جدی شعر مقاومت در ایران به شمار آورد.
- ۳- در تجاوز رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، مردم برای دفاع از انقلاب و میهن خود بسیج شدند و حماسه آفرینیهای آنها افقهای جدیدی از مضامین شعری را بر روی ادبیات معاصر ایران باز کرد و تحولی شگرف در لفظ و معنای شعر این دوره پدید آورد.
- ۴- شعر دفاع مقدس در خلق فضایی حماسی در جامعه دوران جنگ نقشی اساسی داشت و در تهییج مردم برای حضور در جبهه و ترویج فرهنگ شهادت طلبی بسیار مؤثر بود.
- ۵- شعر دفاع مقدس بعد از پایان جنگ نیز به حیات خود ادامه داده و در انتقال فرهنگ مقاومت به نسل جوان و نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب نقش اساسی به عهده داشته است.

یادداشتها

- ۱- نگرینود (سپاهگرایی) مهمترین نهضت ادبی آفریقا است که در سال ۱۹۳۰ پایه‌گذاری شد و هدف آن بازگرداندن حیثیت انسانهای سیاه بود. هسته اولیه این نهضت به حرکتی فرهنگی بر می‌گردد؛ یعنی به انتشار مجله «دفاع مشروع» (Defense Legitime) که در سال ۱۹۲۳ توسط سه تن از شاعران جوان پایه‌گذاری شد. سپس با پیگیری سه دانشجوی آفریقایی در پاریس ادامه یافت و به حرکتی پایدار در شعر آفریقا تبدیل شد.
- ۲- «محبس» شعر مفصلی است در انتقاد از اوضاع اجتماعی. قهرمان داستان دهقان‌زاده جوانی است کرم نام که به تهمت سرپیچی از فرمان ارباب به زندان افتاده است.
- ۳- یدالله رویایی در دفاع از ادبیات غیرمتعهد می‌گوید: شعر تنهاست و از هر ابهامی رها. برای سرنوشت خود حکومت می‌کند و نه برای سرنوشت دیگری. بدهی‌ای نه به جامعه دارد و نه به اخلاق، نه به ایمان و نه به دانش و در عین حال بیم دارد از اینکه چیزی پست و حقیر باشد (محمدی شکبیا، ۱۳۷۸: ۴۲۲).

منابع فارسی

- اکبری، منوچهر (۱۳۷۷). نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- اولیایی، مصطفی (۱۳۷۳). «عناصر ویژه سبکی و زبانی ادبیات انقلاب اسلامی» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۴۳-۵۷.
- بصیری، محمدصادق (۱۳۷۶). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مشروطه تا شهرور ۱۳۲۰ (پایان‌نامه دکتری). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۳). «ادبیات انقلاب اسلامی»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۷۱-۸۳.
- بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲). حماسه‌های همیشه، ج ۱. تهران: فرهنگ گستر.
- _____ (۱۳۸۲). حماسه‌های همیشه، ج ۲. تهران: فرهنگ گستر.
- تجلیل، جلیل (۱۳۷۳). «ویژگی‌هایی از شعر انقلاب اسلامی»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۹۱-۱۰۲.
- ترابی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۴). آه این دریا. قم: نسیم حیات.
- _____ (۱۳۸۴). چقدر خسته، چقدر زخم. قم: نسیم حیات.
- _____ (۱۳۸۴). راین و زنجیر. قم: نسیم حیات.
- _____ (۱۳۸۴). طبله‌های فرآن. قم: نسیم حیات.

جواهری گیلانی، محمدتقی (شمس لنگرودی) (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو. ج ۴. تهران: مرکز نشر. رستگار، مهدی (۱۳۷۳). «نوآمدگان شعر فارسی» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی؛ ص ۲۴۵-۲۷۰.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوسی.

_____ (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع. چاپ چهارم (ویرایش دوم). تهران: فردوسی.

قاسمی، حسن (۱۳۸۳). صور خیال در شعر مقاومت. تهران: فرهنگ گستر.

قزوه، علیرضا (۱۳۸۴). روایت چهاردهم. تهران: لوح زرین.

_____ (۱۳۸۴). قطار اندیمشک. تهران: لوح زرین.

کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۶). آوازه‌های نسل سرخ. تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.

کاشانی، سپیده (۱۳۷۳). «ادبیات انقلاب اسلامی و مبارزه با استکبار» مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. ص ۴۰۱-۴۱۰.

محمدی شکبیا، فاطمه (۱۳۷۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از مرداد ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷ (پایان نامه دکتری). تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). معانی و بیان. تهران: موسسه نشر هما.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۵). جویبار لحظه‌ها. چاپ هشتم؛ تهران: جامی.

یربئی، سیدیحیی (۱۳۶۶). فلسفه عرفان. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی